

شکر تلخ!

یا درسهائی از مبارزات کارگران نی شکر هفت تپه

مجید افسر

دوازدهم آبان ماه هشتاد و شش

هر بار که کارگران ایران در برابر هیولای سرمایه به پا می خیزند و برای گرفتن حق خود رژیم سرکوبگر و فاسد اسلامی را به چالش می کشند، بیش از پیش به اهمیت تشکل های مستقل خویش پی برده و کمبود این تشکل ها را احساس می کنند.

بی علت نیست پس از روزهای متمادی پراز فراز و نشیب، کارگران هفت تپه نیز به همان نتیجه ای میرسند که کارگران شرکت واحد رسیده اند، سندیکا!

با وجود آن که نام کارخانه نیشکر هفت تپه و مبارزات کارگزارانش برای اول بار در اوراق مبارزات کارگری ایران رقم نمی خورد اما اعتصاب آنان دارای ویژگی هائی است که آن را از دیگر حرکات اعتراضی مجزا می کند.

این واقعیت که هزاران کارگر در ایران ماه به ماه با دستی خالی به خانه میروند پدیده جدیدی نیست، چرا که به برکت نظام سرمایه داری- اسلامی و سیاست های ضد کارگری آن، هر روز بر نکبت و فقر مردم کشورمان و در راسشان آسیب پذیرترین طبقات آن، کارگران و زحمت کشان افزوده میشود. این که در اینجا و آنجا ی کشور کارگران، پرستاران و معلمان جان به لب آمده، از فرط فشارهای زندگی به خیابان ها می آیند هم چندان تازه نیست. اما چیزی که این اعتراضات را از دیگر مبارزات مجزا می سازد، هدف قراردادن مستقیم سیاست های دولت نئولیبرالی است که خود هم مستقیماً کارفرماست و هم نیروی سرکوبگر دارد و هم تمامی سعی و توانش را در نابودی صنایع دولتی به کار می بندد تا زمینه فروش و تاراج آن را فراهم سازد. برای روشن شدن بهتر این ادعا از تقریباً یکسال پیش آغاز می کنیم:

در ۱۷ آبان ۱۳۸۵، دکتر سیدحسین موسویان - معاون بین الملل مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام - در بازدید از واحد کشت و صنعت امیرکبیر، شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: ” تحول بزرگی در صنعت نیشکر به وجود آمده و توانمندی ایران در زمینه نیشکر یکی از دستاوردهای بزرگ صنعت کشاورزی ایران پس از انقلاب است. تلاش مدیران صنعتی میتواند در استفاده از پتانسیل و ظرفیت های موجود در بخش نیشکر موثر باشد.

در آن دوران، رشد و گسترش کشت چغندر قند و نیشکر، کشور را به سوی بی نیازی از ورود شکر از خارج کرده بود و این روند حتی دریچه ای برای به کار انداختن خط تولید های جدیدی از قبیل کاغذ سازی، تولید خوراک دام و تولید سوخت غیر فسیلی را می گشاید. کار تا آنجا بالا می گیرد که صاحب نظران اقتصادی رژیم اعلام می کنند که ” چنان چه ایران در زمینه شکر به استقلال و خودکفایی دست یابد، نه تنها نیازمند به واردات شکر نخواهد بود، بلکه

با ظرفیت‌های موجود می‌تواند به صادرات شکر بپردازد. ” و یا ” اگر در سطح ملی توجه لازم به این صنعت شود می‌توان سرمایه زیادی را در زمینه نیشکر جذب کرد. هم چنین تمام زمینه‌های لازم برای جذب اعتبارات فراهم است که باید هر چه سریع‌تر به نتیجه رسید. ” (ایسنا)

امروز در برابر ویرانه‌ای از کارخانه‌های ورشکسته و حتی تعطیل شده قرار داریم که کارگران و خانواده‌هایشان را در فقر و گرسنگی گرفتار ساخته و آنان در اعتراض به این سیاست‌ها راهی خیابان‌ها شده‌اند.

یکی از این کارخانه‌های ورشکسته کارخانه قند دزفول است که کارگران بیکار و گرسنه آن در حمایت از اعتراضات اخیر کارگران نی‌شکر هفت تپه نقش فعالی داشتند. ” آنها در تظاهرات و تحصن امروز تعداد زیادی از کارگران قند دزفول که در اثر سیاست غلط کارخانه آنها به ورشکستگی کشیده شده است و کارگران آنها بیکار شده‌اند شرکت داشتند. ” (آینه روز)، این کارخانه چندی پیش با رانت خواری و گاو بندی نصیب آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله واعظ طبسی شد. قرار بر آن شد آقایان ” دین‌دارو خداترس ” مبلغ ۲ میلیارد تومان در راه ترویج اسلام هزینه فرمایند که البته نه کسی پولی پرداخت و نه کسی هم پولی دید! در عوض تمام کارگران و متخصصین به بهانه غیر مکتبی بودن پس از یک ” امتحان فقهی ” اخراج شدند. پول کشاورزان چغندرکار را پرداخته و محصولاتشان را بالا کشیدند. زندگی کشاورزان و کارگران کشاورزی و کشت چغندر را ریشه کن کردند. هزاران تن شکر را از انبار کارخانه خارج کرده و در بازار سیاه فروختند و عوایدش را خوردند. وسایل کارخانه را به بهانه طلبهائی که داشتند بالا کشیدند و بیش از ۸ میلیارد تومان بدهی برای کارخانه بالا آوردند و هرچه هم از بانک‌های دولتی وام گرفته بودند به جیب خود سرازیر کرده و کارگرو کارمند بی پناه را به امان خدا رها کرده و به دست فقر و گرسنگی سپردند! بی جهت نیست که کارگران نی‌شکر هفت تپه اخیراً در مصاحبه‌ای اظهار می‌کنند ” مدیران کارخانه می‌خواهند بالای کارخانه قند دزفول را سرما بیاورند ” (آینه روز)

اصل ۴۴ خصوصی سازی که از سوی ” رهبر ” مانند چماق بر سر کارگران کوبیده می‌شود به علت اصلی در وضعیت نابسامان فعلی زحمت‌کشان ایران تبدیل شده است.

برای اجرای سیاست‌های نئولیبرالی که با شرایط خاص ایران گره خورده و ویژه گی‌های باند بازی و رانت خواری را نیز پیدا کرده باید زمینه لازم را فراهم ساخت. این زمینه‌ها (خصوصی سازی) از دوران رفسنجانی آغاز و در دوره ریاست جمهوری خاتمی سرعت بیشتری گرفت. در دوران اخیر علی‌رغم اختلافات ” روش کاری ” سران نظام با یک دیگر این روند شدت یافته و زندگی کارگران و خانواده‌های آنان را بسیار وحشیانه تهدید می‌کند.

فراهم آوردن شرایط اقتصادی که در آن بتوان صنعت موفقی مانند تولید شکر و قند را به ورشکستگی کشانید تا زمینه برای چوب حراج زدن به ثروت ملی فراهم آید وظیفه‌ای است که فعلاً هیئت حاکمه ایران به آن مشغول می‌باشد.

روزنامه نروژ ۵ سال پیش در یک مقاله اقتصادی در رابطه با ” مافیای واردات شکر ” نوشت که شرکت‌های بزرگ تولید شکر وابسته به نهادهای و اشخاص صاحب نفوذ توانسته‌اند با استفاده از مجوز واردات شکر خام به سودهای سرشاری دست یابند.

به نوشته این روزنامه، امتیاز واردات شکر که رسماً در انحصار دولت قرار دارد به ” شرکت‌های متعلق به آقازاده ” ها و یا برخی از چهره‌ها داده می‌شد.

همزمان با این تصمیم، وزارت بازرگانی ایران اعلام می کند که انحصار دولت بر واردات، صادرات، توزیع و تولید شکر را لغو می کند: “لغو تدریجی انحصارات دولتی در قانون برنامه پنج ساله سوم جمهوری اسلامی پیش بینی شده است و پایان دادن به انحصار بر واردات و توزیع شکر از نخستین موارد اجرای این بند از قانون برنامه سوم است. به گفته وزارت بازرگانی ایران، از این پس بخش خصوصی میتواند در زمینه تولید، واردات و توزیع شکر فعالیت داشته باشد.” (نوروز)

با برداشتن موانع بر سر راه واردات شکر عملاً دست مافیای شکر را برای واردات بی رویه باز میگذارند و از این طریق دلالان و واسطه های آنان که همهگی به دایره مصباح یزدی و مکارم شیرازی تعلق دارند با واردات بی حد و مرز، کمر تولید کنندهگان چغندر قند و نی شکر را در ایران می شکنند و زمینه بی کاری و فلاکت هزاران نفر را فراهم می آورند.

اساس به کارگیری چنین سیاستی، ناتوان کردن تولید کنندهگان و صنایع داخلی برای رقابت با شکر وارداتی بوده تا کارخانه ها را به ورشکستگی کشانده، تا آنان را به مفت تصاحب کنند، تا هم عمل “خیر و شرعی” انجام پذیرد (خرید کارخانه های ورشکسته را میتوان دست گیری از مستمندان دانست) و هم امر رهبر در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی را به اجرا گذاشت.

این سیاست واردات موجب هجوم وسیع کالاهای خارجی به کشور شده و بلافاصله اشتغال داخلی را با مشکلاتی گسترده مواجه میسازد. سرمایه های متوسط و کوچک قادر به مقابله با این هجوم نبوده از پرداخت تعهداتشان به کارگران سربازمی زنند و یا مجبور به اخراج های انبوه نیروی کار و پائین آوردن هزینه های تولید گشته و سرآخربا اعلام ورشکستگی و تعطیلی کارخانه ها، مستقیماً طعمه مصباح یزدی و دوستان اش می گردند.

برای مقایسه بهتر به جدول زیر که نشان دهنده واردات در چهار سال اخیر می باشد توجه فرمائید:

جمع واردات	واردات بخش دولتی	واردات بخش خصوصی	
۲۱۶	۱۶۰	۵۶	۱۳۸۲
۲۰۳	۱۶۱	۴۲	۱۳۸۳
۶۷۱	۶۲۸	۴۳	۱۳۸۴
۱۳۵۲	۷۱۳	۶۳۹	۱۳۸۵ (تاآبان ماه)

این جدول که آمار رسمی و دولتی است در بر دارنده تمامی وقایع نمی باشد. رییس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، مهندس سید حسین هاشمی در گفت و گو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجو بیان ایران (ایسنا)، خاطر نشان کرد: در ۱۴ ماه گذشته بیش از ۳ میلیون تن شکر وارد شده است که این میزان، ما را از واردات ۶ سال آینده بی نیاز می کند.

او ادامه داد: واردات بی رویه شکر موجب شده است تا سطح زیر کشت چغندر قند تا ۳۰ درصد کاهش یابد.

هاشمی با اشاره به این که در حال حاضر سالانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن شکر در داخل تولید می شود، تصریح

کرد: براساس قانون باید سالانه ۵۰۰ هزار تن شکر وارد کشور شود. این در حالی است که هم‌اکنون بیش از ۳ میلیون تن شکر وارد کشور شده که اختلالاتی را به این بخش وارد کرده است.

رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس نیز در مصاحبه دیگری با ایسنا افزود: با توجه به اینکه ۳۵ کارخانه شکر به دلیل واردات در آستانه تعطیلی قرار دارند، بیش‌ترین صدمه واردات، متوجه تولید و اشتغال است و یا به گفته رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، "طبق آمارهای رسمی، نیاز سالانه گل کشور به شکر دو میلیون تن است که از این مقدار، یک میلیون و چهار صد هزار تن تولید داخل و فقط ۶۰۰ هزار تن از طریق واردات تأمین می‌گردید، اما متأسفانه در ۱۰ ماهه سال ۸۵ و دو ماهه اول ۸۶ جمعاً بیش از ۳ میلیون تن شکر توسط شرکت بازرگانی دولتی و بخش خصوصی وارد شده است.

وی افزود: حدود ۵۰ درصد از محصول تولید داخل به دلیل عدم تأمین نقدینگی و عدم خرید توسط شرکت بازرگانی دولتی در انبار کارخانه‌های تولیدکنندگان قند و شکر انبار شده و همچنان در بلا تکلیفی مانده است.

به گفته رئیس کمیسیون کشاورزی، این درحالیست که شرکت‌های بزرگی مثل شرکت نیشکر هفت تپه با حدود ۷ هزار نفر کارگر و شرکت توسعه نی‌شکر خوزستان با حدود ۱۶ هزار نفر کارگر و شرکت نی‌شکر کارون با حدود ۸ هزار نفر کارگر طی چند ماه اخیر با بحران جدی مواجه شده و حتی از پرداخت حقوق کارگران خود عاجز مانده‌اند.

به علت رشد اعتراضات کشاورزان و کارگران صنایع قند و شکر این موضوع در رسانه‌های گروهی رژیم طرح گشته و دولت احمدی نژاد به علت بی توجهی به واردات بی رویه محصولات قندی و شکر از خارج، مورد انتقاد قرار می‌گیرد

عکس العمل معاون وزیر بازرگانی دولت عدالت گستر بهتر از اربابان واقعی اش نیست:

"معاون وزیر بازرگانی: واردات بی‌رویه شکر را قبول ندارم - معاون توسعه بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی گفت: ورود شکر با حجم بالا با وجود تعرفه مناسب، به دلیل استفاده کشاورزان از تکنولوژی قدیمی برای تولید است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس به نقل از هفته‌نامه وزارت بازرگانی، محمد صادق مفتاح اظهار داشت: دولت نمی‌تواند تنها با دیوار بلند تعرفه و گران کردن کالاها به مقابله با واردات کالاهای ارزان و با کیفیت خارجی بپردازد. وی در خصوص ادعای برخی در مورد واردات بی‌رویه نیز گفت: هم‌اکنون موضوعی به نام واردات بی‌رویه در کشور وجود ندارد و این اصطلاح غلط است. زیرا میزان واردات کالا توسط شورای اقتصاد تعیین می‌شود."

(خبرگزاری فارس)

برای پی بردن به عمق وقاحت این راهزنان نان شب زنان و کودکان زحمت‌کشان ایران، توجه شما را به مصاحبه‌ی مصباح یزدی با خبرگزاری ایلنا در مورد خصوصی سازی جلب می‌کنم. اشاره به این نکته ضروری است که وی یکی از حامیان اصلی دولت "مهرورزی" احمدی نژاد بوده و از رقبای باند رفسنجانی و خاتمی است. این مصاحبه در دورانی صورت می‌گیرد که وی در مقابله با این دارودسته اقدام به انتقاد از خصوصی سازی می‌کند:

"وی در خصوص مشکلات اقتصادی مردم گفت: اگر به مردم بگوییم چرا پول ربا می‌گیری، می‌گویند، چه کنیم. اگر کسی بخواهد برای دخترش جهیزیه فراهم کند و نتواند، می‌گوید مجبورم که به ربا پناه بیاورم. اما مسئولان باید مراقب پسر خاله‌ها، آقازاده‌ها و هم‌حزبی‌های خود باشند. اگر مسوولی خود سوء استفاده نکند، اما نزدیکان وی در زیر سایه او دست به تخلف بزنند، گناه اصلی با مسئولان است."

وی خطاب به مسئولین کشور گفت: پول‌های نفت را خرج کشور کنید و از کسی قرض نگیرید.

وی در ادامه گفت: باید کار فرهنگی انجام شود. مطبوعات، اساتید و وعاظ و من نیز باید هشدار بدهیم. مردم باید بدانند که چه کسانی در پشت پرده فساد میکنند تا دیگر به آنها رأی ندهند و آنها را سرکار نیاورند. با سوء استفاده کننده‌گان از بیت المال چه کسی باید مبارزه کند. حتماً یکی از دستگاه‌های کشور باید به این مسأله بپردازد. اما کارمندان و مسئولین هم دستگاه‌های کشور فرشته عرش برین نیستند و با رشوه‌گیری کار را خراب می‌کنند.

وی در ادامه گفت: شما اهل بازارید و میدانید که چه سودهایی وجود دارد. اما در حال حاضر بعضی ادارات بیشتر میدانند که چه معاملاتی با چه سودهایی میتواند صورت بگیرد. گاهی از خصوصی سازی و کوچک کردن دولت سخن می‌گویند، به نام خصوصی سازی کارخانه‌های دولتی رابه يك صدم قیمت واقعی به هم حزبی‌ها، اقوام و خویشان خود می‌فروشند. رشوه خواری و رانت خواری میان دستگاه‌های اجرایی و مردم مشترك است. گران فروشی که ارتباطی با دولت ندارد. کسانی هستند که سر مردم کلاه می‌گذارند. آیا اسلام برای این آمده است" (مصاحبه مصباح یزدی قبل از انتخابات ریاست جمهوری اخیر) این اظهارات من را به یاد شعری انداخت که وصف حال "آقایان" است:

شیخی به زنی فاحشه گفتا مستی
هر لحظه به دام دگری پابستی
گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم
آیا تو چنانچه می نمائی هستی؟

امروز کارگران ایران پی برده اند چه کسانی پشت لباس "روحانیت" پنهان هستند، و با گوشت و پوست خویش لمس می کنند که دوران امید بستن به آدم‌خورانی چون هم‌چون جنتی، یزدی، خزعلی، استادی، زواره ای به سر آمده و دست لژهای مافیائی قدرت و رانت خوارانمانند آیت الله هاشمی رفسنجانی صاحب منطقه آزاد کیش و قشم، بنیاد الزهرا، نماینده‌گیهای ناسیونال و پاناسونیک، کرمان خودرو، هواپیمائی ماهان... و آیت الله واعظ طبسی صاحب بنیاد ضامن آهو، شریک آستان قدس رضوی، شریک منطقه آزاد کیش، شریک المکاسب و...، آیت الله یزدی صاحب کارخانه های کره لتکا و شونیز، شریک بنیاد الزهرا و... و آیت الله جنتی صاحب بنیاد الزهرا و... و آیت الله مصباح صاحب کارخانه های متعدد و واردات شکر و... و سر آخر فقیه "عالیقدر" مکارم شیرازی همدست ایشان را خوانده اند و مصمم به گرفتن حقو قشان می باشند.

مبارزات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه علیرغم آنکه مبارزه ای منطقه ای بود از مرزهای شوش و هفت تپه در گذشت، علت واقعی این امر را باید در چند نکته جستجو کرد. این مبارزات با آنکه در فرمولبندی خود کارگران نیز آمده است مبارزاتی است برای حقوقهای عقب افتاده و خواسته های معیشتی آنان. اما به واسطه یکپارچگی نظام اسلامی در مقابله با خواسته های به حق کارگران گرسنه، این مبارزات به یک اعتراض سیاسی مبدل میگردد تا آنجا که رژیم با ارسال نیروهای سرکوبگر ضد شورش و سپردن اداره کارخانه به نیروهای وزارت اطلاعات نشان داد در دشمنی با طبقه کارگر هیچ ترحمی راروا نمیدارد. سکوت رسانه های ایران و لیبرال های وطنی در برابر سرکوب و دستگیری کارگران و زحمت کشان، به آنان آموخت که در دشمنی با کارگران، رژیم خاتمی و احمدی نژاد نمی شناسد و همه با هم همدست و برادرند!

خواسته های کارگران هفت تپه که در ۱۳ بند در نامه ای به سازمان جهانی کارسندیکاهای کارگری جهان و سازمانهای حقوق بشری آمده در نگاه اول تنها خواسته های معیشتی است اما در حقیقت نگرانی عمیق آنان را از سیاستهای خائمان

سوز و نئولیبرالی نظام نشان می‌دهد و بخش دیگری مربوط به حقوق اولیه هر انسانی می‌گردد:

- ۱- حل مشکل بدهی شرکت که دولتی می‌باشد و دولت توان بخشش آن بدهیها را دارد
- ۲- تضمین در خصوص این‌که شرکت با وضع موجود ورشکسته نمی‌شود
- ۳- رها نکردن شرکت از نظر مالی توسط دولت
- ۴- اصلاح سیاستهای به نفع دولت در خصوص صنعت شکر و شرکت ، تقلیل تعرفه گمرکی ، جلوگیری از واردات بی رویه شکر توسط بخش خصوصی و حتی دولت
- ۵- اجرای مشاغل بندی پس از ۱۳ سال که هر ۴ سال یکبار باید مورد بازنگری قرارگیرد که متاسفانه مسکوت مانده است.

۶- رسمی کردن کارگران موقت

۷- ارتقای شغلی کارگران شاغل

۸- تشکیل سندیکای کارگری

۹- واگذاری منازل شرکت که در اختیار نیروهای نظامی ؛ اطلاعاتی ، بانکی و آموزش و پرورش و دیگر ادارات دولتی است

۱۰- پرداخت به موقع حقوق کارگران

۱۱- اجرای استانداردهای لازم در محل کار

۱۲- اجرای طرح زیان آور با توجه به زیان آور بودن محل کار ، بعضی از کارها در سطح شرکت

۱۳- اصلاح نحوه دادن مزایا در خصوص سختی کار و بدی آب و هوا با توجه به دمای بالای ۵۰ درجه در محل کار و موارد دیگر.

کارگران نی‌شکر هفت تپه توانستند با تکیه بر تجارب گذشته جنبش کارگری و به‌ویژه کارگران سندیکای شرکت واحد از ابتدا جبهه وسیعی از کارگران همدرد و هم‌سرنوشت خویش فراهم آورند. بیانیه‌های هم‌بستگی دیگر کارگران تنها در حد بیانیه نماند. آندسته از کارگرانی که امکان سفر و مبارزه مشترک را داشتند به یاری هم طبقه‌ای‌های خود شتافتند. از آن جمله میتوان از کارگران و کشاورزان ساکن شوش، کارگران و کارمندان طرح شیبیه شوشتر، کارگران و کارمندان کشت صنعت کارون شوشتر، کارگران سازمان آب و برق خوزستان، کارگران و کارمندان مزارع طرحهای (دهخدا)، امیرکبیر، میرزا، سلمان، فارابی، غزالی، نورد لوله، صنایع فولاد، کارگران نواحی صنعتی اهواز، کارگران نواحی صنعتی شوشتر، کارگران نواحی صنعتی دزفول و اندیمشک، کارگران راه آهن اندیمشک، کارگران شرکت ملی حفاری (اهواز- مسجدسلیمان)، کارگران شرکت ملی نفت (اهواز- مسجدسلیمان)، کارگران کاغذ سازی کارون شوشتر، کارگران پالایشگاه آبادان، کارگران کارخانه‌های واحدهای صنعتی طرحهای توسعه نیشکر در خوزستان نام برد.

(آینه روز)

از ویژگی‌های برجسته دیگر این اعتراضات میتوان به پی‌گیری و پافشاری کارگران بر روی خواسته‌های خویش و بی‌اعتمادی آنان به وعده و وعیدهای کارفرمایان و دولت اشاره کرد.

علیرغم هجوم گسترده نیروهای سرکوبگر و دستگیری فعالان کارگری، کارگران هفت تپه اتحاد و هم‌بستگی خود

را نه تنها از دست ندادند، بلکه حتی با تکیه بر این تجربه که تنها در سایه وحدت میتوان موفق شد، حتی توانستند فعالان اسیر را از زندان آزاد سازند. با این وجود رژیم مترصد فرصتی ماند تا اگر دامنه اعتراضات کاهش یابد حساب خود را با فعالین کارگری تسویه کند.

تلاش برای انحراف و ترس و واهمه و وعده و وعید های دروغین از سوی فرماندار و امام جمعه شوش به شکست انجامید و پیگیری کارگران و تجارب گذشته آنان تا بحال توانسته از انحراف این حرکت اعتراضی توسط دولت جلوگیری نماید درآینه روز می خوانیم:

" درحالی وارد یازدهمین روز اعتصاب خود می شویم که ۱۸۰۰ نفر از کارگران بخش کشاورزی نیز با ما همگام شدند. همچون روزهای گذشته اعلام می داریم هیچ وعده و قول را نمی پذیریم و هراسی از تهدیدهایی که بر ما وارد میشود نیز نداریم. از همه سازمان ها و گروهها و خبرگزاریها می خواهیم همچنان به حمایت ما ادامه دهند و صدای ما را به گوش جهانیان برسانند. بسیاری از همسران ما دیروز در بازگشت از تجمع با چشمانی گریان به استقبال ما می آمدند و ما را به مقاومت و ایستادگی دعوت میکردند و اعلام کردند در صورتی که طی روزهای آینده به خواسته های شما عمل نشود ما نیز با شما همگام می شویم و با فرزندان خود جلوی ادارات و نهادهای دولتی تجمع می کنیم" و یا در جایی دیگر این گونه گزارش شده است "در روزهای گذشته فرماندار شهر و ساعدی نماینده مجلس از شوش در مصاحبه های که با رادیو و تلویزیون داشتند اعلام کردند که خواسته های آنها داده شد و امام جمعه شهر هم اعلام کرده که خواسته های آنها تا قبل از عید فطر داده خواهد شد. از طرف دیگر به کارگران اعلام کردند دادن خواسته شما منوط به برگشت به کار کارگران است.

از طرف دیگر کارگران به فرماندار و مدیر عامل شرکت اعلام کردند که تارسیدن به خواسته های خود دست از اعتصاب برنخواهند داشت. و امروز آخرین مهلت برای مسئولین دولت و شهرو شرکت است و اگر به خواسته های آنها رسیدگی نشود با خانواده های خود به جلوی فرمانداری خواهند رفت و در آنجا دست به تحصن و اعتراض خواهند زد." این مثال ها نشانه بالا رفتن آگاهی طبقاتی کارگران ایران است و نوید بخش گام های کوچک اما مفیدی برای این طبقه انقلابی است.

تجارب گذشته و درراس آن تجربه مبارزات شرکت واحد و پس از آن دستگیری فعالین کارگری مانند اسالو، مددی و صالحی به نیروهای کارگری و کمونیست نشان داد، بدون ایجاد یک چتر تبلیغاتی وسیع دست رژیم را برای قلع و قمع کارگران باز خواهیم گذاشت. عکس العمل سریع رسانه های آزاد در داخل و خارج و تلاش های سازمانهای حقوق بشری در کنار حمایت گسترده کمونیست ها در سراسر جهان، حاصل تلاش کارگران هفت تپه و سازمان ها و افراد انسان دوست و کمونیست های ایران بود. این حرکت نسبت به دیگر تجارب در زمینه ی رسانه ای بسیار وسیع بود. ولی در زمینه حرکات اعتراضی آشکارا کاستی از خود نشان داد. کمتر تظاهرات و یا تجمعی در خارج از کشور صورت پذیرفت و این نکته قابل انتقاد است.

مهم ترین کمبود این مبارزات را که کارگران نی شکر هفت تپه خود احساس کردند، نبود یک تشکل صنفی مستقل در کارخانه هفت تپه بود که از خواسته های آنان دفاع کند و جای خالی یک سندیکای سراسری کارگری که مبارزات آنان را به امر عموم کارگران تبدیل نماید. بر اساس همین تجربه فریاد اتحاد و همبستگی آنان با خواست سندیکا در اصل

هشتم خواسته های آنان پیوند خورد و پرچم سرخ طبقه کارگر ایران را برافراشته ساخت.

مبارزات کارگران ایران و کارگران هفت تپه وحشت به جان نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران انداخته و اهمیت این جنبش، رجاله های سیاسی را که بوی کباب به مشامشان رسیده، به سوی خود جلب کرده است.

امپریالیسم آمریکا، امپریالیستهای اروپائی و پس مانده خورانشان در "صدای آمریکا"، "رادیو فردا"، "رادیو زمانه" ، "روز آنلاین"، "خبرگزاری شهرزاد" ، "بی بی سی" و "دویچه وله" به تحرک افتاده اند.

تام کیسی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ناگهان کشف میکند که فعالین کارگری و کارگران آزادی خواه اند :
"ما از کسانی که در راه دفاع از حقوق ایرانیان فعالیت می کنند حمایت میکنیم و ضمن این که خواهان برخورد انسانی با زندانیان در زندان های ایران هستیم از مقام های ایرانی می خواهیم که فوراً، باقی و دیگر فعالان حقوق بشر از جمله منصور اسانلو و محمود صالحی را آزاد کنند." (رادیو فردا)

کارگران همان گونه که پاسخ ترهات پوپولیستی احمدی نژاد را داده اند، فریب وعده های دروغین امپریالیسم را نیز نخواهند خورد.

وظیفه احزاب، سازمان ها و افراد مستقل کمونیست و چپ حمایت بدون شرط از خواسته های کارگران هفت تپه و همیاری جهانی آنان برای رسیدن به خواسته هایشان و مهم ترین آنان تشکیل سندیکای مستقل می باشد.

این حمایت ها باید بویژه با جلب جریان های مستقل انساندوست، کارگری، ضد امپریالیست و حساس کردن افکار عمومی به همراه باشد.

رژیم ضد کارگری اسلامی در استفاده از نیروی سر کوبگر خود برای به شکست کشاندن مبارزات کارگران ایران به خود شکی راه نخواهد داد، کارگران، کمونیستها و تشکل های کمونیست نیز در دفاع از کارگران از پای نخواهند نشست. شرکت کارگران دیگر کارخانه ها در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و اعلام همبستگی با این اعتراضات از بزرگ ترین دستاورد طبقه کارگر ایران است که باید گرچه هنوز در آغاز راه پرافتخارش است، اما باید تا متحد شدن کل طبقه کارگر ایران در مقابل نظام استثماری و استبدادی سرمایه، توفان آسا ادامه یابد.

مجید افسر - مهرماه ۱۳۸۶

آینه روز